

تاریخ تحقیقات پیرامون سبک هندی در ایران و جهان

(از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ هجری شمسی)

دکتر شهرام آزادبان*

نسیم محمدی**

چکیده

متأسفانه با وجود اهمیت و تأثیر بسیاری که سبک هندی در تاریخ ادبیات ایران و شبه قاره داشته، تا امروز آنچنان که باید و شاید مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است. در این مقاله کوشش شده است به سیر تحقیقات انجام گرفته پیرامون این سبک و شاعران آن در ایران و جهان در پنجاه سال نخست قرن چهاردهم هجری شمسی پرداخته شود و در پایان با ارائه تصویری کلی از تحقیقات این دوره، به سؤالاتی چند پاسخ داده شود.

کلیدواژه‌ها: سبک هندی، طرز تازه، سبک‌شناسی، ادبیات شبه قاره هند.

*. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.

مقدمه

تا پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی منابعی که به طرز شعر شعرای ایرانی و پارسی‌گوی و احوال و آثار آنان اشاراتی کرده‌اند و یا منبع تحقیق دربارهٔ آنان محسوب می‌شوند عموماً به سه دسته تقسیم می‌گردند:

۱. آثار شاعران و نیز تذکره‌هایی که یا به دست خاورشناسان تصحیح و ترجمه می‌شدند و یا به صورت چاپ سنگی و عموماً در هندوستان با دیباچه‌ای در آغاز کتاب، اندکی به قضاوت دربارهٔ شعر دورهٔ مذکور و سبک شاعر مورد نظر می‌پرداختند؛ مانند ترجمهٔ تذکرهٔ سام میرزا^۱ به فرانسوی به تصحیح Silvestre de Sacy (۱۷۵۸-۱۸۳۸م) در سال‌های ۱۷۹۸-۱۷۹۹م / ۱۲۱۲-۱۲۱۳ق و دیوان صائب^۲ چاپ لکهنو در سال ۱۹۱۹م/۱۳۳۷ق.

۲. فهرست‌های نسخ خطی و یا فهرست کتاب‌های کتابخانه‌ها به‌ویژه کتابخانه‌های هندوستان - که معمولاً به دست انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و تهیه می‌شدند و به طور مثال ضمن نام بردن از نسخه‌های دیوان صائب و بیدل و... اصولاً بر اساس نسخ خطی تذکره‌های دوره صفویه و پس از آن، توضیحی دربارهٔ شیوهٔ شعر شاعران مذکور داده می‌شد. مانند فهرست ارزشمند^۳ Sir Gore Ouseley (۱۷۷۰-۱۸۴۴م) در سال ۱۸۴۶م.

۳. کتاب‌ها و مقالات تحقیقی مجزا که یا به شعر و ادب فارسی اختصاص داشتند و یا به معرفی تذکره‌های فارسی و یا شرح حال یکی از شعرای دورهٔ مزبور می‌پرداختند. تألیف این آثار عموماً به دست شرق‌شناسان انجام می‌گرفت. مانند کتاب^۴ *Histoire de la litterature Hindoui et hindoustani* (تاریخ ادبیات هندو و هندوستانی) از Tassy de Garcin (۱۷۹۴-۱۸۷۸م) که در فاصلهٔ سال‌های ۱۸۳۹-۱۸۴۷ منتشر شد و یا مقالهٔ معروف

1. Silvestre de Sacy, Antoine Isaac, Le présent sublime, ou histoire des poetes de Sam-Mirza, Paris, VII. 1798/1799.

۲. صائب تبریزی، دیوان، گردآورنده عبدالرحمن خان ولد حاجی محمد روشن خان، لکهنو، مطبع منشی نولکشور، ۱۹۱۹م/۱۳۳۷ق.

3. Biographical notices of Persian poets; with critical and explanatory remarks, Sir Gore Ouseley; James Reynolds, London, Printed for the Oriental Translation Fund of Great Britain and Ireland, 1848.

4. Histoire de la littérature Hindoui et hindoustani by Garcin de Tassy, M. Paris : Printed under the auspices of the Oriental Translation Committee of Great Britain and Ireland, 2 vol, 1839-47.

^۱ "Nathaniel Blau" (۱۸۰۳-۱۸۶۵م) در معرفی تذکره آتشکده آذر در سال ۱۸۴۳م. از سال ۱۳۰۰ شمسی کم‌کم شاهد آغاز تحقیقات مستقل پیرامون سبک هندی و مطرح شدن مجدد این سبک در میان جامعه ادبی ایران می‌باشیم.

در این سال، مجله/رمان در دومین دوره خود در مقاله‌ای با عنوان «آثار ادبای هندوستان» غزلی را از بیدل دهلوی نقل کرد (ص ۱۶۶-۱۶۸) و بدین ترتیب این مجله به یکی از اصلی‌ترین منابع معرفی شاعران سبک هندی و بحث پیرامون این سبک تبدیل شد و باب جدیدی در بازشناسی سبک هندی در جامعه ادبی ایران گشود.

در سال ۱۳۰۱ ش محمدعلی تربیت (۱۲۵۶-۱۳۱۸ش) با نوشتن مقاله «صائب تبریزی» که شاید بتوان آن را نخستین مقاله با روش تقریباً علمی خواند، شرح حال و معرفی شعر صائب در ایران را نوشت و سعی کرد زندگینامه او را از میان اشعارش به دست آورد و در عین حال از تذکره‌های مختلف نیز مطالبی نقل کرد و در حدود دو صفحه، «شاه فردهای غزلیات» صائب را ذکر کرد.

از آنجا که محمدعلی تربیت خود زاده تبریز بود، در شناساندن مفاخر آذربایجان اهتمام تمام ورزید و کسی بود که در همان دهه‌های اول قرن چهاردهم شمسی، به معرفی بسیاری از شعرای دوره صفوی از جمله صائب تبریزی، تأثیر تبریزی (تربیت، ص ۱۶۱-۱۷۱) و... پرداخت و اثر ارزشمند خود با عنوان دانشمندان آذربایجان^۲ را که در آن به شرح حال مفصل صائب پرداخته است و بعدها مورد ارجاع مکرر محققان قرار گرفت در همان سال یعنی ۱۳۱۴ شمسی منتشر کرد.

از جمله کارهای تحقیقی مهم تا پیش از سال ۱۳۱۰ شمسی، انتشار جلد چهارم تاریخ ادبیات ادوارد براون^۳ در انگلستان در سال ۱۹۲۴م / ۱۳۰۳ش می‌باشد که به بررسی ادبیات فارسی در فاصله سال‌های ۱۵۰۰-۱۹۲۴م (۹۰۵-۱۳۴۲ق) پرداخته است. بخش مربوط به شعرای دوره صفویه این کتاب، نخستین بار در سال ۱۳۱۰ ش به دست

1. "Account of the Atesh Kedeh, a Biographical Work on the Persian Poets, by Hajji Lutf Ali Beg, of Ispahan, by N. Bland, Esq., M.R.A.S." IN: The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain & Ireland, Volume 7. Contributor Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland. Cambridge University Press for the Royal Asiatic Society, 1843 (p 345-392).

۲. تربیت، محمدعلی، دانشمندان آذربایجان، مطبوعه مجلس، تهران، ۱۳۱۴.

3. Browne, Edward Granville. A literary history of Persia. v.4: A history of Persian literature in modern times, A.D.1500-1924. Cambridge : University Press, 1924. xvi, 530 p.

نصرت‌الله سیف پور فاطمی^۱ (۱۲۷۹-۱۳۶۸ش) ترجمه شد تا آنکه در سال ۱۳۱۶ش ترجمه‌های دیگر از این اثر به دست غلامرضا رشید یاسمی (۱۲۷۵-۱۳۳۰ش) صورت گرفت. عقیده بر آن درباره این دوره از تاریخ ادبیات ایران، بیشتر تحت تأثیر آثار مهم پیش از خود مانند/ ادبیات فارسی جدید اثر هرمان اته آلمانی (۱۸۴۴-۱۹۱۷م) و شعر/ العجم شبلی نعمانی (۱۸۵۷-۱۹۱۴م) و همچنین تذکره‌هایی همچون مجمع الفصحای رضاقلی خان هدایت و آتشکده آذر و نیز عقیده دوستان محقق ایرانی خود مانند علامه قزوینی قرار دارد؛ بنابراین او این دوره را عهد «قحط و فقدان شعرای مهم» (براون، ج ۴، ص ۲۵) می‌داند و علت آن را هم بیشتر نبود مشوق و مربی می‌داند تا فقدان قریح هنرمند (همو، ج ۴، ص ۲۶). همین تأثیرپذیری از نظرات اهل زمانه باعث شد وی از اینکه اشعار صائب را چه از نظر سادگی عبارات و چه از حیث صنایع حسن تعلیل و ارسال‌المثل، جاذب و جالب یافته اظهار شرمندگی کند! (همو، ج ۴، ص ۱۵۵). وی علاوه بر هفت شاعری که شبلی در شعر/العجم به شرح احوال آنها پرداخته است، یعنی: بابا فغانی، فیضی، عرفی، نظیری نیشابوری، طالب آملی، صائب و ابوطالب کلیم، شش نفر دیگر را که «مختصری از رقبای خود معروف‌تر و محترم‌ترند» (همو، ج ۴، ص ۱۸۹) یعنی سحابی استرآبادی، زلالی خونساری، جلال اسیر، قدسی مشهدی، سلیم تهرانی و امانی مازندرانی را نیز معرفی می‌کند. براون می‌نویسد:

«بدون شبهه [صائب] اعظم شعری است که در قرن هفدهم مسیحی
طلوع کرده‌اند و به نظرم تنها کسی است که در این کتاب لایق شرح مفصل
است» (همان‌جا).

تاریخ ادبیات ادوارد براون و شیوه او در تدوین اثر در تحقیقات آتی تأثیر بسیار گذاشت و به طور کلی شخص براون و همکارانش در ورود و گسترش هرچه بیشتر تحقیقات ادبی به روش علمی و دقیق غربیان در ایران، تأثیر قابل توجهی داشتند. در سال ۱۳۰۵ش/ ۱۹۲۶م محمد شفیع لاهوری تذکره میخانه^۲ را به روش غربی‌ها

۱. براون، ادوارد، گلزار ادبیات ایران در عصر سلاطین صفوی، ترجمه و نگارش [نصرت‌الله] سیف‌پور فاطمی، اصفهان، جلد اول، ۱۳۱۰.

۲. فخرالزمان قزوینی، عبدالنبی، تذکره میخانه، به کوشش محمدشفیع، لاهور.

تصحیح کرد و همراه با مقدمه‌ای مفصل در شرح حال عبدالنبی فخرالزمانی و حواشی بسیار در شرح حال شعرای مذکور در تذکره، به زبان اردو منتشر ساخت. محمد شفیع لاهوری (۱۸۸۳-۱۹۶۳م) ایران‌شناس پاکستانی و از شاگردان ادوارد براون و پروفیسور نیکلسن که بعدها به سمت رئیس قسمت دایرةالمعارف اسلام (به زبان اردو) و عضو پیوسته هیئت تحریریه آن انتخاب شد (شهریار نقوی، ص ۴۵۰) نیز از جمله محققان اردوزبانی بود که در باز معرفی شاعران پارسی‌گوی قرون مورد نظر، تلاش زیادی کرد.

در سال ۱۳۰۵ ش حیدرعلی کمالی (۱۲۵۰-۱۳۲۸ش) روزنامه‌نگار، نویسنده، شاعر و سیاستمدار برای نخستین بار در ایران، *منتخبات اشعار صائب تبریزی* را که حاصل چندین سال تجسس در مجموعه اشعار او بود، تهیه و چاپ کرد.

وی اشعار پارسی را به سه سبک: ۱. خراسانی‌ها یا سبک ترکستانی (با نمایندگانی مثل فردوسی و رودکی)، ۲. عراقی‌ها (مثل کمال‌الدین و جمال‌الدین اصفهانی)، ۳. فارسی‌ها (مانند سعدی و حافظ) تقسیم می‌کند (کمالی، ص ۹) و صائب را از حیث طرز بیان، عراقی می‌داند ولی معتقد است از جهت روش فکر و خیال در هیچ‌یک از دسته‌ها قرار نمی‌گیرد، مگر آنکه سبک چهارمی، به نام سبک هندی در نظر بگیریم و او را در رأس آن قرار دهیم (همو، ص ۱۰). وی علت عدم شهرت صائب در دوره خود را یکدست نبودن گفتار او و پیچیدگی حاصل از تلاش برای یافتن معانی بدیع و اصرار در به کار بردن صنایع لطیف شعری می‌داند (همو، ص ۱۳-۱۴).

متأسفانه تصحیح آثار در ایران، برخلاف هند و پاکستان - که به دلیل گسترش سیطره غربی‌ها در سرزمینشان، با روش‌های علمی تصحیح آشنا شده بودند - تا مدت‌ها با دقت و صحت صورت نمی‌گرفت؛ بنابراین اکثر آثاری که در این دوره در ایران تصحیح شده‌اند، امروزه از نظر دانش تصحیح ارزش چندانی ندارند. مثلاً مشخص نیست کمالی اشعار این گزیده را از کدام نسخه (ها) یا چاپ (های) آثار صائب برگزیده است و یا محمدعلی تمدن که پانزده سال از عمر خود را صرف تصحیح «دیوان طرزی افشار»^۱ کرد و طبق گفته خود هر نسخه‌ای را که از دیوان طرزی موجود بوده جمع‌آوری کرده

۱. طرزی افشار، دیوان، تصحیح محمدعلی تمدن، کتابخانه تمدن، رضاییه، ۱۳۰۹ش.

بوده است، هیچ اطلاعی راجع به شیوه تصحیح خود و یا ویژگی‌های نسخ مورد استفاده‌اش نمی‌دهد و در نتیجه امروزه این چاپ از نظر موازین تصحیح ارزشی ندارد. در سال‌های ۱۳۰۷-۱۳۰۸ ش / ۱۹۲۹-۱۹۳۰ م محمد عبدالغنی کتاب سه جلدی *A history of Persian language & literature at the Mughal court*^۱ را منتشر می‌کند. وی در جلد اول کتاب به شرح احوال بابر پیش و پس از سلطنت می‌پردازد و اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان او را بررسی می‌کند و شاعران، مورخان، فلاسفه، عرفا، اهل قلم، نقاشان و موسیقی‌دانان این عهد را معرفی می‌کند؛ به همین ترتیب در جلد دوم به دوره همایون شاه و در جلد سوم به دوره اکبر شاه می‌پردازد و سعی می‌کند تصویری جامع از فرهنگ و ادبیات این دوران ارائه دهد. اتفاق مهمی که در سال ۱۳۰۷ ش در جامعه ادبی رخ می‌دهد، تشکیل جلسات شعبه جامعه معارف ایران در حیدرآباد دکن است که اهداف مرام‌نامه آن چنین تنظیم شده بود:

- ۱- تدریس شبانه فارسی.
 - ۲- خطابه ماهانه در دفتر راجع به علوم و ادب فارسی.
 - ۳- جواب رجوعات علمی و ادبی راجع به ایران فارسی از ایران و هند. با نظر به معرفی ادبا و شعرا و نویسندگان فارسی هند به دنیا.
- در بعضی از جلساتی که در این شعبه برگزار می‌شد، خطابه‌هایی در معرفی شاعران پارسی‌گوی سبک هندی انجام می‌گرفت. مانند خطابه داعی الاسلام در معرفی عرفی شیرازی^۲. سعید نفیسی (۱۲۷۴-۱۳۴۵ ش) در سال ۱۳۰۸ ش در انجمن ادبی ایران (تأسیس شده توسط وحید دستگردی در سال ۱۲۹۸ ش در تهران) خطابه‌ای با عنوان «ادبیات فارسی در هندوستان» ارائه داد - که به صورت کامل در نشریه *ارمغان* نیز چاپ شد - و می‌توان گفت نخستین تحقیق به زبان فارسی بود که به معرفی و برشمردن شعرا و نویسندگان بزرگ

1. Abdul Ghani, Muhammad, *A history of Persian language & literature at the Mughal court*, The Indian Press, Ahahabad, 1929-1930. 3 vol.

Vol 1: part 1: Babur 1929, XX, 204 p

Vol 2: part 2: Humayun: 1930, Xi, 239 p

Vol 3: part 3: Akbar: 1930, Xiii, 542 p

۲. داعی‌الاسلام، «عرفی شیرازی»، *ارمغان*، سال نهم، مرداد و شهریور، مهر، آبان و آذر ۱۳۰۷ - شماره ۵-۶، ۷، ۸-

۹ (ص ۳۲۱-۳۳۰)، (ص ۴۳۸-۴۴۷)، (ص ۴۸۹-۴۹۷).

زبان فارسی در مدت نهصد و پنجاه سال تاریخ ادب فارسی در هندوستان پرداخت. وی این اسامی را با تفکیک هر قرن و از قرن پنجم تا چهاردهم قمری ذکر کرده است. او نیمه دوم قرن دهم را منتهای اوج ادبیات فارسی در هندوستان و منتهای ضعف آن در ایران می‌داند (نقیسی ۱، ص ۶۱۵). وی فیضی اکبرآبادی را «سازنده و شیواکننده» سبک هندوستانی می‌نامد و معتقد است این سبک شعری نخستین بار در ایران پیدا شده و از مخترعات شعرای هندی نیست (همان‌جا).

در سال ۱۳۱۰ ش وحید دستگردی در نخستین شماره سال دوازدهم /رمغان، مقاله‌ای با عنوان «سفینه صائب» منتشر کرد و نوشت نسخه‌ای از سفینه صائب به خط عارف تبریزی از شعرای معروف صفویه به دستش رسیده و برای استفاده فضلا، از این به بعد از این سفینه در مجله /رمغان تحت عنوان «سفینه صائب» نقل خواهد شد؛ به‌ویژه اینکه کتاب‌هایی که آن زمان در دسترس صائب بوده امروز کمتر به دست می‌آید و از حدود صد شاعر گمنام عصر خویش هم نام برده و از اشعار آنان نمونه ضبط کرده است. دستگردی که از سال ۱۳۰۰ شمسی بخشی با عنوان «آثار اساتید» در /رمغان قرار داده بود و اشعاری برگزیده از شاعرانی چون کمال‌الدین اسماعیل و نظامی و... نقل می‌کرد، در سال ۱۳۰۱ ش بخشی با عنوان «آثار معاصران» به نشریه خود افزود. سلسله‌مقالات «سفینه صائب» را هم به دو بخش «آثار اساتید» و «آثار متوسطان» تقسیم کرد و چند سال نخست را به ذکر برگزیده اشعار استادان بزرگی چون مولانا، سلمان ساوجی، سعدی و... اختصاص داد و از سال ۱۳۱۶ شمسی، به نقل ابیات و اشعاری از شعرای سبک هندی همچون طالب و صائب و... تحت عنوان آثار متوسطان پرداخت.

یقیناً این تصمیم نشریه /رمغان در آشنایی محققان با تعداد بسیار زیادی از شعرای ایران، و به طور اخص شعرای سبک هندی و شیوه شاعری آنها مؤثر بود و زمینه تحقیقات بعدی را فراهم کرد.

در سال ۱۳۱۴ ش برای نخستین بار، غزلیات کلیم کاشانی^۱ در ایران به چاپ رسید. متأسفانه در این کتاب به نسخ مورد استفاده هیچ اشاره‌ای نشده و تنها گاهی در حاشیه، شکل دیگری از بیت یا ابیات که در «نسخه دیگر» آمده، نوشته شده است. در هر صورت این کتاب

۱. کلیم کاشانی، غزلیات /و رباعیات/ کلیم، مطبعه اخوان کتابچی، تهران، ۱۳۵۴.

به دلیل در دسترس قرار دادن غزلیات کلیم در ایران برای نخستین بار اهمیت دارد. در همین سال تذکره‌ی تحفه‌ی سامی نیز در چاپخانه‌ی ارمغان و با تصحیح وحید دستگردی منتشر شد. یک سال پیش از انتشار این اثر، تنها صحیفه‌ی پنجم از شش صحیفه‌ی کتاب تحفه‌ی سامی در پنته به دست حسین اقبال تصحیح و منتشر شده بود. بنابراین تصحیح دستگردی نخستین چاپ کامل تحفه‌ی سامی در ایران بود؛ هرچند بدون هیچ‌گونه توضیح و حواشی و تعلیقات به چاپ رسید.

می‌توان گفت از مهم‌ترین آثاری که تا این سال در ایران ترجمه و یا تألیف شد، ترجمه‌ی کتاب ارزشمند شعر/العجم شبلی نعمانی در سال ۱۳۱۴ ش به قلم سید محمدتقی فخر داعی گیلانی (۱۲۶۰-۱۳۴۳ ش) بود. شبلی شعر و ادب فارسی را به سه دوره تقسیم کرده که بخش سوم اختصاص دارد به دور آخر شعر و شاعری فارسی یا دوره‌ی متأخرین (شبلی نعمانی، ج ۳، دیباچه: ز). وی برخلاف بسیاری از معاصران به شعر دوستی و حمایت دربار صفویان از شاعران پرداخته و در این باره مثال‌های متعدد آورده است. این عصر را عصر ترقی غزل می‌داند و شیوه‌های تازه‌ی غزل‌گویی را به چهار دسته تقسیم می‌کند. روش او در این اثر بدین‌گونه است که در باب هر شاعر ابتدا زندگینامه‌ی او را مطرح می‌کند و بعد در قسمت‌های جداگانه به شیوه‌ی سخن‌گویی یا حالات و اخلاق و عادات او و شعر و شاعری و تألیفات و آرا و عقاید و... شاعر می‌پردازد. همچنین معنا و شرح بسیاری از ابیات و اشعار را برای تفهیم و نشان دادن بیشتر خصوصیات شعری شاعر، بیان می‌کند.

هرچند اثر شبلی در زمان خود و حتی تا به امروز از آثار بسیار خوب و ارزشمند درباره‌ی تاریخ ادبیات فارسی و به‌ویژه سبک هندی است، اما از بعضی عیوب قضاوتی خالی نیست؛ مثلاً در جایی می‌گوید:

«تعجب در این است که شعرای ایران تا وقتی که در ایران می‌بودند از هجوگویی و فحش دریغ نمی‌کردند، لیکن بعد از رفتن به هند زبان آنها مهذب می‌گردید. از جمله وحشی یزدی در مدت اقامت در هندوستان از هجا برکنار بود، اما بعد از رفتن به ایران همان خوی و عادت اصلی را دوباره از سر گرفت» (همو، ج ۴، ص ۱۶۰).

گذشته از اینکه این قضاوت بسیار کلی است، وحشی بافقی هیچ‌گاه به هندوستان

سفر نکرده است.

نکته قابل توجه در شعر *العجم* این است که وی هیچ‌گاه این سبک را «هندی» نگفته، بلکه پیوسته از آن با عنوان «طرز تازه» و «شیوه جدید» یاد می‌کند؛ مثلاً آنجا که می‌گوید: «مسلم است موجد این طرز جدید فغانی است» (همو، ج ۵، ص ۶۰). اثر شبلی و قضاوت‌های او همواره مورد ارجاع محققان زمان خود و پس از آن قرار گرفته، و از این جهت جزو منابع مهم در سیر تحقیقات ادبی محسوب می‌شود.

در سال‌های ۱۳۱۵ش تا ۱۳۲۰ش بیش از هر چیز، فعالیت پیوسته نشریه *ارمغان* در نقل نمونه اشعار شعرای دوره صفویه بر اساس همان «سفیئه صائب» به چشم می‌خورد که خود این امر علاوه بر آشنا کردن بیشتر محققان با شعر دوره صفوی، تحقیقات مجزایی در شرح احوال این شاعران را از طرف محققان در پی داشت.

در سال ۱۳۱۶ش یکی از آثار مهم پیرامون سبک هندی، یعنی *روابط ادبی ایران و هند یا تأثیر روابط ایران و هند در ادبیات دوره صفویه* به قلم علی‌اکبر شهبابی (۱۲۸۷-۱۳۶۷ش) منتشر شد.

در این کتاب وی به تاریخ روابط ایران و هند و علل مهاجرت ایرانیان به هندوستان و علل پیدایش سبک هندی می‌پردازد. خصوصیات سبک هندی را بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد که نه تنها این سبک در شعر وجود داشته (بلکه نویسندگان هندی و بالتبع نویسندگان ایرانی عصر تیموری و صفوی نیز در نثر عربی و فارسی اغراقات و تشبیهات و استعارات بارد این سبک را استعمال کرده‌اند) (شهبابی، ص ۹۷). شاید بتوان گفت او نخستین کسی است که مسئله «نثر سبک هندی» را در ایران مطرح کرد. هرچند به فواصل زمانی طولانی، افراد دیگری نیز کمابیش از نثر سبک هندی صحبت کردند، اما هیچ‌گاه مورد اهتمام محققان قرار نگرفت.

درباره این اثر باید گفت نظر کلی مؤلف درباره سبک هندی و رویکرد شاهان صفوی به شعر و شاعری که در جای جای کتاب نشان از نظری نامساعد به این دو حیطه دارد با نتایجی که در پایان کتاب درباره این موضوعات بیان می‌کند هم‌خوانی ندارد؛ مؤلف سعی کرده است نشان دهد قضاوت کلی اکثر معاصرانش درباره این سبک صحیح نیست، اما جز یکی دو فصل آخر، خود نیز تقریباً در تمامی نظراتش همسو با نظر معاصرانش است.

در نهایت باید گفت عقیده وی درباره لزوم در نظر گرفتن کیفیت اوضاع و احوال سیاسی

و مذهبی زمان شاعر و نه اوضاع زمان خود و نیز تلاش برای داشتن قضاوتی منصفانه‌تر درباره‌ی سبک هندی و ردّ نظر انحطاط محض ادبی درباره‌ی آن، در روزگاری که پیوسته از این سبک به عنوان انحطاط در شعر یاد می‌شد، مهم‌ترین ویژگی این کتاب است. در سال ۱۳۱۷ ش تذکره‌ی نصرآبادی به تصحیح وحید دستگردی در چاپخانه‌ی ارمغان منتشر شد؛ هرچند، باز هم تاریخ و مشخصات نسخ خطی مورد استفاده و شیوه کار مصحح مشخص نیست.

زین‌العابدین مؤتمن (۱۲۹۳-۱۳۸۴ش) در سال ۱۳۲۰ش کتاب/شعار برگزیده صائب را به همراه مقدمه‌ای مفصل در شرح احوال و آثار صائب و ویژگی‌های سبک هندی منتشر کرد. او که هفت سال از عمر خود را صرف تهیه‌ی این اثر کرده بود، معتقد است علت گمنامی صائب و دیگر شعرای بزرگ سبک هندی، تنها پیچیدگی اشعار آنها نیست، بلکه از علل مهم آن، چگونگی داوری آذر بیگدلی و رضا قلی‌خان هدایت است که تذکره‌هایشان از بزرگ‌ترین تذکره‌های موجود و سال‌ها مرجع ارباب شعر و ادب بوده است (مؤتمن، ص ۳۵). همچنین می‌نویسد از ظهور مشروطیت که شعرای درباری بازار خود را از دست دادند و پیروی از سبک قدما موردی پیدا نکرد، رفته رفته موضوع مخالفت با سبک هندی هم از اذهان بیرون رفت و نظری مساعد به کلیه‌ی اشعار خوب پیدا شد (همان‌جا). او همچنین اشاره می‌کند دانشمندان و تذکره‌نویسان، عموماً عصر صفوی را عصر انحطاط ادبیات فارسی می‌دانند و گرچه این موضوع از جهاتی صحیح است، اما این نظر نه تنها مبتدیان را به کلی نسبت به ادبیات این عصر بدگمان ساخته، بلکه گاهی دانشمندان را هم به اشتباه انداخته و وادار کرده بدون تحقیق از دیگران تقلید کنند (همو، ص ۳۹).

وی سبک هندی را درخور توجه بیشتر می‌داند، چه از نظر تنوع و تازگی‌ای که نسبت به سبک‌های قبل از آن دارد، چه از جهت اینکه مدت‌ها گویندگان فارسی بدان شیوه طبع‌آزمایی کرده‌اند (همو، ص ۴۰). او همچنین ایراداتی را که عمدتاً به سبک هندی وارد شده بیان می‌کند و یکی یکی پاسخ می‌گوید.

اهمیت این اثر در آن است که برای نخستین بار در جامعه‌ی ادبی آن روزگار که پیوسته

از سبک هندی با عنوان انحطاط ادبی یاد می‌شد، به بررسی منصفانه این سبک و به‌ویژه اشعار صائب پرداخته و شجاعانه از حوزه علاقه خود، سبک هندی و شعر صائب دفاع کرده است و تصویر جامعی از خصوصیات، محسنات و معایب این سبک ارائه کرده است. در همان سال، تذکره کلمات الشعراء^۱ محمد افضل سرخوش، در لاهور به دست صادق علی دلاوری تصحیح شد. وی در تصحیح این اثر از پنج نسخه خطی استفاده کرده و علاوه بر توضیح مفصل شرح حال و آثار هر جا کلمه یا اصطلاحی در متن نیاز به توضیح داشته، در پاورقی توضیح داده است.

می‌توان گفت سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰ش سال‌های تمرکز تحقیقات بر روی روابط فرهنگی ایران و شبه قاره هند است؛ به‌ویژه اینکه در ۲۷ مهر ماه سال ۱۳۲۳ش «انجمن روابط فرهنگی ایران و هند» در دانشسرای عالی و توسط باقر کاظمی، وزیر فرهنگ وقت تأسیس و افتتاح شد. مشابه این انجمن در دهلی نیز به دست وزیر فرهنگ هندوستان افتتاح شد و این انجمن‌ها باب جدیدی برای معرفی شعرای پارسی‌گوی در سرزمین‌های یکدیگر گشودند.

عنوان تعدادی از مقالاتی که در این دوره نوشته شدند چنین است:

«ایران و افغانستان از لحاظ وحدت تاریخی و سیاسی»^۲ (۱۳۲۴ش).

«اهمیت فارسی در پاکستان»^۳ (۱۳۲۷ش).

و یا سخنرانی‌هایی که در انجمن روابط فرهنگی ایران و هند صورت می‌گرفت، مانند سخنرانی حسین سمیعی و ملک الشعراء بهار^۴ در سال ۱۳۲۴ و یا سخنرانی هادی حسن استاد دانشگاه علیگره در همان سال.^۵

۱. سرخوش، محمد افضل، کلمات الشعراء، تصحیح صادق علی دلاوری، ناشر، شیخ مبارک علی تاجر کتب، لاهور، تاریخ مقدمه: ۱۹۴۲م / ۱۳۲۰ش.

۲. افشار، ایرج، «ایران و افغانستان از لحاظ وحدت تاریخی و سیاسی»، آینده، سال سوم، فروردین ۱۳۲۴، ش ۷ (ص ۳۶۶-۳۷۳).

۳. مهرین، عباس، «اهمیت فارسی در پاکستان»، یغما، سال اول، مهر ۱۳۲۷، ش ۷ (ص ۲۸۹-۲۹۴).

۴. سمیعی، حسین و ملک الشعراء بهار، «انجمن روابط فرهنگی ایران و هند»، نامه فرهنگستان (قدیم)، سال سوم، خرداد ۱۳۲۴، ش ۱ (ص ۴۹-۶۴).

۵. هادی حسن، «انجمن فرهنگی ایران و هند»، تعلیم و تربیت، سال پانزدهم، آبان و آذر و دی ۱۳۲۴، ش ۸، ۹ و ۱۰ (ص ۱۳-۱۸).

در اوایل دهه سی هجری شمسی شاهد تصحیح و نشر بعضی از تذکره‌های معروف مرتبط با شاعران سبک هندی هستیم.

مثلاً تصحیح تذکره کلمات الشعراء^۱ محمد افضل سرخوش به دست محمدحسین محوی لکهنوی در مدراس در سال ۱۳۳۰ ش و یا انتشار تذکره مآثر الکرام^۲ آزاد بلگرامی به اهتمام مولوی عبدالحق، با تصحیح و حواشی عبدالله خان در حیدرآباد دکن در سال ۱۳۳۱ ش.

در سال ۱۳۳۲ ش بیشتر شاهد تحقیقات پراکنده درباره شعرای سبک هندی و اوضاع ادبیات فارسی در عهد شاهان هند و پاکستان هستیم؛ مانند مجموعه مقالات غلام سرور که از مرداد ۱۳۳۲ ش تا بهمن ۱۳۳۴ ش در نشریه هلال منتشر می‌شد^۳ و یا سایر کارهای تحقیقی او پیرامون این موضوع که در دهه چهل نیز ادامه داشت.

اما در سال ۱۳۳۳ ش کلیات صائب تبریزی به اهتمام بیژن ترقی و با مقدمه امیری فیروزکوهی منتشر شد. امیری فیروزکوهی نیز مانند زین‌العابدین مؤتمن سعی کرد با دیدی منصفانه‌تر به بررسی سبک هندی و اشعار شاعران این سبک بپردازد و برخلاف نظر اکثر معاصران معتقد بود تمسخر سبک هندی از سوی جمعی بی‌اطلاع از اهل جمود و بازگشتشان به سبک قدیم و انتشار روزافزون تذکره/تشکده در سال‌های بعد و همچنین تقلید و تبعیت نسل‌های بعدی، مجال تحقیق را از آیندگان سلب کرده و نتیجه آن شد که قضاوتی ظالمانه مانند یک سنت ادبی یا ضابطه قطعی در بین تمام افراد درباره سبک هندی به وجود آمد (امیری فیروزکوهی، ص ۲).

۱. سرخوش، محمدافضل، کلمات الشعراء [تذکره سرخوش]، تصحیح محمدحسین محوی لکهنوی، مدرس یونیورسیتی، مدراس، ۱۹۵۱م/۱۳۳۰ ش.

۲. آزاد بلگرامی، غلامعلی، مآثر الکرام [چاپ سنگی]، به اهتمام عبدالحق، مصحح و محشی عبدالله خان، کتب‌خانه آصفیه، حیدرآباد، ۱۹۱۳م/۱۳۳۱ ش.

۳. سرور، غلام، «ادبیات فارسی در عهد جلال‌الدین اکبر اعظم شاهنشاه هند و پاکستان»، هلال، مرداد ۱۳۳۲، ش ۴ (ص ۸-۲).

همو، «ادبیات فارسی در عهد نورالدین محمد جهانگیر شاهنشاه هند و پاکستان»، هلال، بهمن ۱۳۳۲، ش ۶ (ص ۸-۱۴).
همو، «ادبیات فارسی در عهد شهاب‌الدین محمد شاهجهان شاهنشاه هند و پاکستان»، هلال، مرداد ۱۳۳۳، ش ۸ (ص ۱۴-۱۹).

همو، «ادبیات فارسی در عهد اورنگ‌زیب عالمگیر شاهنشاه شبه‌قاره هندوستان»، هلال، آبان ۱۳۳۳، ش ۹ (ص ۱۰-۱۶).

همو، «ادبیات فارسی بعد از دوره شاهنشاه اورنگ‌زیب عالمگیر»، هلال، بهمن ۱۳۳۳، ش ۱۰ (ص ۱۰-۱۴ و ۵۵).

همو، «شعر فارسی در اولین دوره سلاطین دهلی»، هلال، آبان ۱۳۳۴، ش ۱۳ (ص ۴۶-۵۱).

وی اصطلاح «سبک هندی» را غلط دانسته و صحیح آن را «سبک اصفهانی» می‌داند و عقیده دارد که مسلم است ظهور این سبک در بین شعرا و گویندگان عصر صفوی در ایران و فارسی‌زبانان سرزمین‌های دیگر، معلول تحولات مختلف اجتماعی و عصری بود و از آنجا که مرکز زبان فارسی ایران بوده است، قهری است که هر تحول ادبی و شعری هم در زبان مخصوص همان خاک و خاص همان مردم باشد و علت اشتهارش به سبک هندی به علت رواج بازار اقتصادی و ادبی در هندوستان و سفر بسیاری از این شعرا به آنجاست (همو، ص ۴).

با این نظر، عقیده کسانی را هم که پیچیدگی‌های این سبک را تحت تأثیر دقت فلسفه بودا و خیال‌بندی معماران و نقاشان هندی می‌دانند رد می‌کند (همو، ص ۵).

درباره چاپ این اثر عقیده دارد بهتر بود از کلیه نسخ موجود از کلیات صائب انتخابی جامع‌تر و بیشتر از آنچه تا حالا منتشر شده است به عمل آید و از هر غزل چند بیت عالی و یکدست گلچین و برگزیده گردد و با جرح و تعدیلی دقیق از طرف چند نفر از اساتید و سخن‌شناسان چاپ و در دسترس اهل ادب گذاشته شود و اصلاً قصائد او که خارج از فن و هنر اوست به چاپ نرسد (همو، ص ۴۶)؛ اما در مورد این کلیات نوشته است: «منتخب کلی‌ای است که نسبت به آنچه تا حالا منتشر شده حکم کلیات است» (همان‌جا).

در سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۳۵ش دو رساله دکتری مرتبط با سبک هندی و شاعران آن در دانشگاه تهران دفاع شد. نخستین رساله با عنوان «ابوطالب کلیم کاشانی: شرح حال و آثار و سبک اشعار او» از امیرحسین عابدی و به راهنمایی حسین خطیبی در سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۳۵ش و دیگری با نام «ادبیات فارسی در نیمه اول قرن یازدهم» از پوران شجیعی و به راهنمایی لطفعلی صورتگر در سال ۱۳۳۴ش دفاع شدند. اهمیت رساله دوم به‌ویژه در آن است که به بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ایران در سده یازدهم هجری می‌پردازد و پس از ترسیم فضای کلی دوره مورد نظر، درباره ادبیات فارسی و مظاهر مختلف آن بحث می‌کند. وی یکی از علل مهم انحطاط ادبیات این عهد را نبود روح تصوف و عرفان و وجود روح مذهبی می‌داند (شجیعی، ص ۱۳۱).

در سال ۱۳۳۵ش نخستین اثری که به معرفی شعرای پارسی‌گوی کشمیر پرداخته، منتشر شد. *ایران صغیر یا تذکرهٔ شعرای پارسی‌زبان کشمیر*^۱ از خواجه عبدالحمید عرفانی و با مقدمهٔ رضازادهٔ شفق و ناظرزادهٔ کرمانی در تهران به چاپ رسید. این اثر در برگزیدهٔ شعرای پارسی‌گوی کشمیر، به همراه شرح حال و نمونهٔ آثار آنان است.

در سال ۱۳۳۵ش/۱۹۵۶م *تاریخ ادبیات یان ریپکا* (۱۸۹۵-۱۹۶۸م) برای نخستین بار به زبان چکی^۲ منتشر شد. این اثر که روح تفکرات مارکسیستی بر تمامی نظرات آن غالب است، ادبیات این دوره را هم از این نظرگاه مورد بررسی قرار داده و مثلاً می‌نویسد:

«ایران بعد از اسلام نظام فئودالی داشت و تا دوران‌های اخیر بدین صورت باقی مانده، در سازمان‌هایش دگرگونی اساسی روی نداده است... ماهیت زبان همان می‌ماند که بود. در مضامین نیز تغییر محسوسی حاصل نمی‌شود و سنت، فرمان‌روای عرصه است... آثار طرزی افشار آذربایجانی در اوایل سدهٔ ۱۱ق/۱۷م که از اصلاح‌کنندگان زبان و دشمنان اشرافیت است، گواهی بر این مدعا است» (ریپکا، ص ۱۳۵-۱۳۶).

وی دربارهٔ ادبیات دورهٔ صفویه چنین اظهار نظر می‌کند:

«فقط در عهد شاه عباس اول اوضاع تا حدی برای شاعران دنیوی مساعد به نظر می‌رسید... ولی در اینجا هم ساختمان‌های پرهزینه و راه‌سازی‌ها و جنگ‌های پایان‌ناپذیر بنیهٔ مالی ملت را سخت ضعیف می‌سازد. در این هنگام آوازهٔ سخاوت دربار دهلی تأثیری کاملاً متفاوت داشت، چنانکه شاعران نسبتاً مهم بدان روی آوردند... و بعضی اوقات وجدان آنها از آزادی بیشتری برخوردار بود. با وجود این شاعران همیشه در آن خوش‌دل نبودند؛ زیرا خواه و ناخواه ملزم به تطبیق دادن خود با محیطی بیگانه بودند که در نتیجهٔ آن مدام از استادان کهن ایرانی فاصله بیشتری می‌گرفتند. بدین ترتیب بخشی از حیات فرهنگی به هندوستان منتقل شد و شاعران طراز اول در آنجا به فعالیت پرداختند. بدین واسطه مورخان ادبیات هندو ایرانی و منتقدان، راغب نیستند که بر نظر نامساعدی که ایرانیان نسبت به سبک ادبی دوران صفویه دارند صحه گذارند. مع‌ذلک، این نظر در ادبیات هند و ایرانی تا دوران معاصر بر همهٔ

۱. عرفانی، خواجه عبدالحمید، *ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر*، با مقدمهٔ رضازاده شفق و ناظرزاده کرمانی، ابن سینا، تهران، ۱۳۳۵.

2. Rypka, Jan; Otakar Klíma; et al, *Dějiny perské a tádčické literatury*, Praha, Nakl, Československé akademie věd, 1956.

نظریات دیگر غلبه دارد؛ ولی با وجود آن که سبک «هندی» در ایران امروز چندان مطلوب نیست، میان دانشمندان ایرانی نیز در این‌باره وحدت نظر حکم‌فرما نیست» (همو، ص ۴۱۵).

«ظرافت‌کاری‌ها و ریزه‌کاری‌های هندی فقط در آرامش مرگبار و دوران رژیم منحنی چون دوران سلسله صفویه، که مخارجش صرفاً از راه کشاورزی تأمین می‌شد، می‌توانست رونق بگیرد، نه در بحبوحه اغتشاشات بزرگ و کوچکی که در سده دوازدهم هجری زخم‌هایی چنان کاری بر کشور وارد ساخت» (همو، ص ۴۳۲).

سرانجام در سال ۱۳۳۶ ش، برای نخستین بار در ایران دیوان ابوطالب کلیم کاشانی^۱ با تصحیح و مقدمه جامع حسین پرتو بیضایی (۱۳۴۸-۱۲۸۵ش) منتشر شد. مصحح خاطرنشان می‌کند تقریباً تمام آنچه درباره احوال و آثار کلیم در کلیه تذکره‌ها و آثار دیگر ادبی ضبط شده بوده، بررسی کرده است. طبق معمول تصحیحات این دوران، مصحح برای نسخ خطی و چاپی مورد استفاده خود، علائم اختصاری مشخص نکرده اما هر جا لازم بوده لغات و اصطلاحات دشوار متن را در پاورقی و به صورتی مختصر توضیح داده است. می‌توان گفت سال ۱۳۳۶ ش، سال انتشار شماری از مهم‌ترین تذکره‌های ادب فارسی است. در این سال تذکره معروف نتایج الافکار^۲ محمد قدرت‌الله گوپاموی به تصحیح اردشیر خاضع در بمبئی و تذکره مقالات الشعراء^۳ میرعلی شیر قانع تتوی با مقدمه، تصحیح و حواشی سید حسام‌الدین راشدی در کراچی منتشر شدند. به‌ویژه مقالات الشعراء دارای بسیاری توضیحات تاریخی و ادبی و... همراه فهرست‌های متعددی در پایان است که بر ارزش آن افزوده است.

در سال ۱۳۳۶ تذکره مجمع‌الفصحا اثر رضاقلی خان هدایت به دست مظاهر مصفا تصحیح شد. مصحح یادآور شده است در چاپ مجدد مجمع‌الفصحا از چاپ سال ۱۲۹۵ش با تصحیح میرزا محمدصادق سپاهانی متخلص به «گلشن» استفاده کرده است

۱. کلیم کاشانی، دیوان، به تصحیح و مقدمه ح. پرتو بیضایی، کتابفروشی خیام، تهران، تاریخ مقدمه: ۱۳۳۶.
۲. گوپاموی، محمد قدرت‌الله، تذکره نتایج الافکار [چاپ سنگی]، مقدمه: اردشیر خاضع، چاپخانه سلطانی، بمبئی، ۱۳۳۶.
۳. قانع تتوی، میرعلی شیر، تذکره مقالات الشعراء، با مقدمه و تصحیح و حواشی سید حسام‌الدین راشدی، سندهی ادبی بورد، کراچی، ۱۹۵۷/م ۱۳۳۶ش.

مصفا، ص ۸). وی در جلد نخست کتاب به توضیح لغات و اصطلاحات دشوار و اشارات ادبی و تاریخی و... پرداخته و هر کجا غلط املائی و چاپی در طبع پیشین وجود داشته و یا وزن بیتی به سبب چاپ غلط، اشتباه شده، در پاورقی اشاره کرده است. متأسفانه این توضیحات و حواشی تنها در جلد نخست وجود دارند و در دیگر جلدها تنها به ذکر فهرست‌های مفصل اکتفا شده است.

در سال ۱۳۳۶ش جلد نخست آتشکده آذر بیگدلی نیز با تصحیح و توضیحات و تعلیقات مفصل حسن سادات ناصری در تهران منتشر شد و دو جلد دیگر آن به ترتیب در سال‌های ۱۳۳۸، ۱۳۳۹-۱۳۴۰ منتشر شدند.

در دیباچه‌ای که صادق کیا بر بخش نخست اثر نوشته، یادآور شده است که مصحح هر جا لازم دانسته و یا به دیوان گویندگان دسترسی داشته است، متن شعرهای تذکره را با متن دیوان‌ها برابر کرده و فرق‌هایی که در میان بوده در پانویس یادداشت کرده است. همچنین کوشیده در ذیل نام هر گوینده‌ای همه نوشته‌هایی را که از او ذکری کرده یا درباره شعر و زندگانی‌اش سخن گفته‌اند، ذکر کند و بسیاری جایها خود به افزودن یادداشت‌هایی در شرح حال و اندیشه و شیوه و آثار گویندگان و گشودن معنی دشوار بعضی از شعرهای آنان پردازد (کیا، ص هشت - نه).

علی‌اصغر حکمت در دیباچه بر بخش دوم کتاب از قول خود مصحح، می‌گوید: «این طبع جدید آتشکده را می‌توان کامل‌ترین کاری دانست که در زمینه‌ی مأخذشناسی شعر و شاعری فارسی صورت گرفته است» (حکمت، ص هفت).

مصحح، فهرست نه اثر چاپی و خطی که برای تصحیح از آنها بهره برده با مشخصات کامل ذکر کرده و اساس را نسخ چاپ سنگی بمبئی قرار داده و نسخه‌بدل‌ها و عبارات الحاقی را در پانویس ذکر کرده است.

وی افزون بر تصحیح متن، هر جا لازم دیده است اشارات قرآنی، تاریخی، جغرافیایی، ادبی، دینی و شرح احوال و آثار اسامی مذکور در متن را نیز در پانویس توضیح داده است و همین امر سبب شده این اثر دارای حواشی بسیار ارزشمند و پربراری شود.

در سال ۱۳۳۶ش محمدحسین مشایخ فریدنی از رساله دکتری خود با عنوان «تاریخ مختصر روابط ادبی و سیاسی ایران و هند در دوران سلطنت شاهجهان و وضع زبان

فارسی در آن دوره» به راهنمایی ذبیح‌الله صفا در دانشگاه تهران دفاع کرد. وی در این رساله به بررسی کامل اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره شاهجهان می‌پردازد و روابط سیاسی و فرهنگی ایران و هند در آن دوران را بررسی می‌کند و سعی می‌کند با دیدی منصفانه به بررسی ادبیات دوران مذکور بپردازد. وی معتقد است این روش تازه، با نوعی از ادب هندی که «به‌هاگ» گویند و نوعی از سرودها و نغمات هندی سرشار از مجاز و استعاره می‌باشد، شباهتی کامل داشت و تحت تأثیر اقلیم و افکار هندی مانند معابد قدیم این کشور که پر از نازک‌کاری و تمثیل و تصاویر بی‌شمار است، هر روز بر دقت و ظاهرآرایی آن افزوده شد تا اینکه عاقبت به صورتی مبتذل و نادرست درآمد و در ایران به کلی متروک گشت (مشایخ فریدنی، ص ۲۵۸). او شاعران طرز نو را به دو دسته تقسیم می‌کند: شاعرانی که با اقامت در هندوستان تحت تأثیر محیط و افکار هندی و طرز بیان و مقاصد شاعرانه هندیان و نازک‌کاری‌های ایشان قرار می‌گرفتند و گروهی دیگر که در حفظ روش اصلی ایرانی و دست‌نخوردگی آن اصرار داشتند (همو، ص ۲۹۷). وی شعرای طبقه اول را موجد شیوه و سبک هندی و ایرانی «یا به اصطلاح متأخرین از تذکره‌نویسان، سبک هندی» می‌داند؛ مانند غزالی مشهدی، عرفی، فیضی و... و شعرای دوره شاهجهان و کافه شاعران هندی‌نژاد که به فارسی سخن می‌گفتند و طبقه‌ای بودند که مورد توجه شاهان و سایر ممدوحان قرار داشتند (همان‌جا). درباره طبقه دوم می‌گوید گروهی از شاعران در هند «روش خالص ایرانی» را حفظ کردند و اگرچه مورد سرزنش بودند، از آن دست برنداشتند؛ مانند عارف ایگی و دوستی سمرقندی و مولانا وصلی و... که گرچه در هند نتوانستند شهرتی پیدا کنند اما نمونه‌هایی که از شعر باقی گذاشتند رابط بین سبک قدیم و غزل طرز تازه بود و این سبک تازه‌گویی و کلاسیک به دنبال روش عراقی در اواخر دوره صفویه در ایران دوباره مورد توجه قرار گرفت و شاعرانی مانند آذر بیگدلی قمی و هاتف اصفهانی و ... به عنوان اعاده‌کنندگان سبک فصحای متقدم و هادمان بنیان سبک فغانی یا سبک هند و ایرانی قیام کردند (همو، ص ۲۹۷-۲۹۸). فریدنی معتقد است:

«اصولاً سبک هندی چه در نظم و چه در نثر، وقتی به وجود آمد که متقدمان (مضمون منتسبه‌ای) برای متأخران باقی نگذاشته بودند و نویسند و

شاعر که چیز تازه نداشت بگوید ناگزیر بود در آرایش ظاهری و رنگین کلام و مضامین بکوشد... تا سخنش رنگ تازه پیدا کند» (همو، ص ۲۹۹).
و شعرای طبقه اول را در این مقصود حقیقتاً کامیاب می‌داند.
در سال ۱۳۳۷ ش برای اولین بار در ایران کلیات عرفی شیرازی به کوشش غلامحسین جواهری (وجدی) منتشر شد. وی در مقدمه به شرح احوال و آثار عرفی پرداخته و درباره شعر نو گفته است:

«این طریقه به خلاف آنچه معروف است نو نیست و کسی آن را ابداع نکرده و سابقه این شیوه از زمانی است که شعر هندی ظهور کرد... با فرق اینکه آنها با رعایت اوزان و قوافی این کار را کرده‌اند و اینها برای اینکه در تنگنای قافیه گیر نکنند به قول خودشان خود را از قیود وزن و قافیه رها ساخته‌اند» (جواهری، ص ۱۷).

شاید بتوان گفت او نخستین فرد از جمله محققانی است که معتقدند ریشه شعر نو نیمایی در سبک هندی یافت می‌شود.

او نیز متأسفانه به معرفی نسخ خطی و آثار چاپی مورد استفاده خود نمی‌پردازد و تنها در قسمتی از مقدمه اشاره می‌کند از بیش از ده نسخه چاپی و خطی استفاده کرده است.
در همین سال همچنین چاپ افستی از روی چاپ سنگی هند از تذکره/تشکده آذر^۱ بیگدلی با مقدمه و فهرست و تعلیقات سید جعفر شهیدی صورت گرفت که با انتقادات تند سیدحسن سادات ناصری نسبت به متن مواجه شد.

در این سال همچنین یکی از آثار مهم در حوزه تاریخ ادبیات فارسی نیز ترجمه و در دسترس محققان قرار گرفت. تاریخ ادبیات فارسی^۲ کارل هرمان اته برگردان صادق رضازاده شفق که به همراه حواشی به چاپ رسید. اته می‌نویسد:

«می‌توان گفت دوره کلاسیک شعر فارسی با ظهور و افول نورالدین عبدالرحمن جامی به پایان رسید... بعد از او در واقع دوره آیندگان مقلد می‌رسد... یا تقلید شعرای نامی را کردند و یا آنکه راه بعضی صناعات و تزئینات رفتند» (اته، ص ۱۸۹-۱۹۰).

۱. آذر بیگدلی، تشکده، مقدمه، فهرست و تعلیقات جعفر شهیدی، مؤسسه نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۷.
2. Neupersische Litteratur. Hermann Ethé. In: Grundriss der iranischen Philologie. Wilhelm Geiger; Ernst Kuhn; Christian Bartholomae; Hermann Ethé; Karl F Geldner. Strassburg. K.J. Trübner. 1895-1904.

«توان گفت از اواسط قرن یازدهم هجری (هفدهم میلادی) شعر فارسی در هند رو به انقراض می‌نهد و با اینکه از حیث سطح فزونی می‌گیرد از جهت عمق تنزل می‌کند و بسیار نادر است استعدادی که در فوق تقلید معمولی باشد ظهور کند نظیر استعداد محمد طاهر غنی... که شاگرد همشهری خود محسن فانی بود» (همو، ص ۱۹۶).

در سال ۱۳۳۸ش سفینه خوشگو^۱ اثر بندر این داس خوشگو، با تصحیح سید شاه محمد عطاء الرحمن کاکوی در پتنه به چاپ رسید. مصحح سعی کرده در این اثر هر آنچه از کلام خوشگو در این سفینه و دیگر تذکره‌ها بوده، در یکجا جمع کند. تمرکز تحقیقات در سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۳۹ش بیشتر بر سبک‌شناسی اشعار و تاریخ ادبیات ایران قرار داشت. مانند ترجمه تاریخ ادبیات ریپکا به زبان آلمانی^۲ و با اعمال اصلاحات فراوان در آن در سال ۱۹۵۹ م / ۱۳۳۸ش و یا تاریخ ادبیات^۳ محمدرضا دایی جواد در سال ۱۳۳۹ش.

در سال ۱۳۴۰ش تذکره هفت اقلیم^۴ امین احمد رازی، با تصحیح و تعلیقات جواد فاضل در تهران و در ۳ جلد به چاپ رسید. کتاب مقدمه یا پیشگفتار ندارد و مشخصات نسخه(های) مصحح معلوم نیست. مصحح گاهی در پاورقی درباره لغت، اصطلاح و یا نکته‌ای مختصر توضیحی می‌دهد.

در همین سال تذکره میخانه در ایران و به اهتمام احمد گلچین معانی چاپ شد. مصحح در مقدمه نوشته برای تصحیح این تذکره از دو نسخه خطی و نسخه چاپ لاهور استفاده کرده است. از مقایسه این نسخ با نسخه چاپی دریافته که مؤلف بعد از سال ۱۰۲۸ (سال ختم کتاب) در تألیف خود تجدید نظری کرده بوده است؛ یعنی هجده ترجمه دیگر به کتاب افزوده و بعضی ساقی‌نامه‌ها را که در ابتدا به تلخیص آورده بوده به طور

۱. خوشگو، بندر این داس، سفینه خوشگو، به کوشش سید شاه محمد عطاء الرحمن کاکوی، اداره تحقیقات عربی و فارسی پتنه (بهار)، ۱۹۵۹م / ۱۳۳۸ش.

2. Rypka, Jan. *Iranische Literaturgeschichte*. Translated by Helena Turková. Leipzig: Otto Harrassowitz, 1959.

۳. دایی جواد، محمدرضا، تاریخ ادبیات ایران، کتابفروشی تأیید، اصفهان، ۱۳۳۹.

۴. امین احمد رازی، هفت اقلیم، تصحیح و تعلیق جواد فاضل، کتابفروشی علی‌اکبر علمی و کتابفروشی ادبیه، تهران، ۱۳۴۰.

کامل ثبت کرده و بعضی ساقی‌نامه‌ها را هم که به علت سوختن خانه‌اش در پتنه از بین رفته بوده‌اند، بعداً به دست آورده و به صورت کامل درج کرده است (گلچین معانی، ص ۲).
گلچین ترجمه فارسی مقدمه مفصل محمد شفیع بر تذکره میخانه را که به زبان اردو بود، در دنباله مقدمه خویش آورده است و توضیحات لازم و نظراتش را درباره این مقدمه در پاورقی ذکر کرده است. اختلاف قرائات نسخه‌های خطی و چاپ لاهور و حتی نسخه‌بدل‌های چاپ مزبور را نیز در پاورقی آورده است و در مورد اشعار تا جایی که امکان داشته از دواوین صاحبان تراجم و سفینه‌های اشعار استفاده کرده. حقیقتاً گلچین معانی از محققانی است که در ارائه آثار روشمند و مفید در معرفی سبک هندی، نقش مهم و ارزشمندی در ادبیات فارسی دارد.

اما سرانجام پس از چندین دهه کلیات بیدل دهلوی^۱ در ایران به چاپ رسید. این کلیات چهار جلدی از سال ۱۳۴۱ش تا ۱۳۴۴ش در کابل و با تصحیح خلیل‌الله خلیلی منتشر شد. مصحح در مقدمه می‌نویسد تاکنون مجموع آثار بیدل با دقت و اهمتامی که شایسته آن است چاپ نشده و با اشاره به آثار بیدل که تا آن زمان چاپ شده بوده‌اند و برشمردن معایبشان، هیچ‌یک را مشتمل بر کلیه آثار او نمی‌داند (خلیلی، ص ج). چاپ این کلیات راه جدیدی در تحقیقات بیدل شناسانه گشود.

یکی از محققان اهل کشمیر که در این سال‌ها به فعالیت‌های ادبی می‌پرداخت تیکو بود که در سال ۱۳۴۲ش به تصحیح دیوان محسن فانی^۲ و نیز تهیه اثر برگزیده‌ای از پارسی‌سرایان کشمیر^۳ در انجمن ایران و هند واقع در تهران، پرداخت.

در همین سال محمدرضا شفیعی کدکنی نیز کتاب حزین لاهیجی: زندگی و زیباترین غزل‌های او^۴ را در مشهد به چاپ رساند.

یکی از بهترین آثار منتشرشده در پنجاه سال مورد بررسی، کتاب تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان از مرحوم سید علیرضا نقوی در سال ۱۳۴۳ش می‌باشد.

۱. بیدل دهلوی، عبدالقادر، کلیات، کابل، ۱۳۴۱-۱۳۴۴.

۲. فانی کشمیری، محسن، دیوان، گردآوری، تصحیح و حواشی گ. ل. تیکو، انجمن ایران و هند، تهران، ۱۳۴۲.

۳. تیکو، گ. ل. برگزیده‌ای از پارسی‌سرایان کشمیر، انتشارات انجمن ایران و هند، تهران، ۱۳۴۲.

۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا، حزین لاهیجی: زندگی و زیباترین غزل‌های او، انتشارات توس، مشهد، ۱۳۴۲.

این کتاب در اصل رسالهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی مؤلف به راهنمایی پرویز ناتل خانلری در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۱ش است (نقوی، ص هفده).

وی تحقیق در این باره را از سال ۱۳۳۵ش آغاز کرد. برای این کار در پاکستان کلیهٔ تذکره‌هایی را که در کتابخانه‌های آنجا بوده مطالعه کرده و نیز اطلاعات مورد نیاز دیگر را از کتابخانه‌های ایران و هند به دست آورده و رساله را تهیه کرده که با تغییرات و اضافاتی به صورت این کتاب در آمده است (همو، ص نوزده). کتاب دارای تعداد زیادی ضمیمه، اضافات و فهرست‌هاست که بر ارزش آن افزوده است.

مؤلف در آغاز هر فصل از وضع سیاسی و اجتماعی و ادبی آن دوره به اجمال سخن گفته و مختصری در باب سبک انشاء و ارزش و اهمیت آن دوره صحبت کرده و سپس به شرح تذکره‌های هر دوره پرداخته و پیش از آن به شرح حال و آثار نویسندگان، از کتب معتبر و غالباً معاصر آنان پرداخته است. وی همچنین سعی کرده است در پایان بحث هر تذکره، اسامی کتابخانه‌هایی که حاوی نسخ خطی تذکرهٔ مزبور هستند ذکر شود و در صورتی که تذکره چاپ شده باشد، محل و سال چاپ آن مرقوم شود. از فواید مهم دیگر کتاب، ذکر آثار به ترتیب تاریخی است. بی شک این کتاب یکی از ارزشمندترین آثار بود که تا آن زمان منتشر شده بود و تا امروز نیز از مراجع مهم محققان می‌باشد.

در سال ۱۳۴۳ش صلاح‌الدین سلجوقی، کتابی با عنوان *نقد بیدل*^۱ نوشت که در کابل چاپ شد.

عنوان نقد در این اثر، با تعریف امروزی نقد متفاوت است. وی در واقع در این کتاب، ابیاتی از غزلیات، عرفانیات، رباعیات، قصائد، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، متفرقات، نکات و رقعات بیدل را شرح کرده و دربارهٔ نکات عرفانی آنها توضیح داده است. شیوهٔ به‌کار برده‌شده در این اثر با بسیاری از آثار نوشته‌شده تا آن زمان که از ساختار معمول ذکر شرح حال و سپس ارائهٔ نمونه‌هایی از شعر شاعر برخوردار بودند، تفاوت داشت.

این کتاب همچنین بر بسیاری از آثار بیدل‌شناسانهٔ بعدی مثلاً کتاب *نگاهی به صائب از علی دشتی* تأثیرگذار بود.

۱. سلجوقی، صلاح‌الدین، *نقد بیدل*، کابل، ۱۳۴۳.

در طول سال‌های ۱۳۴۴ش تا ۱۳۴۶ش بیشتر شاهد چاپ مقالاتی در معرفی شاعران گمنام‌تر سبک هندی هستیم؛ مانند مقالات سید محمد طاهری شهاب که به‌ویژه تمرکز تحقیقات خود را بر روی شاعران اهل شمال ایران مانند «ملا شفیع اثر مازندرانی»^۱ (در سال ۱۳۴۴ش)، «اختر مازندرانی»^۲ (در سال ۱۳۴۵ش) و «منصف ساروی»^۳ (در سال ۱۳۴۶ش) قرار داده بود.

سرانجام سعید نفیسی نتیجه چندین و چند سال تحقیق و بررسی خود پیرامون شعر و شاعری در ایران را در قالب کتاب دو جلدی *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم* در سال ۱۳۴۴ش منتشر کرد.

نفیسی که در این کتاب به شرح احوال و آثار گویندگان و نویسندگان ده قرن ادبیات فارسی پرداخته از ۱۵۹۹ شاعر قرن دهم نام می‌برد و مختصری از احوالشان را ذکر می‌کند. عقیده وی درباره شعر قرن دهم چنین است:

«در هندوستان اساس سبک مخصوصی در شعر گذاشته شد که به نام سبک هندی معروف شده است و این سبک از روش خاص شاعران سمبولیسم قرن هشتم مخصوصاً کمال خجندی و حافظ بیرون آمده و شاعران در استعمال کنایات و استعارات و معانی دقیق و ... بیش از اندازه زیاده‌روی کرده‌اند چنانکه فهم بسیاری از اشعارشان برای کسانی که با اینگونه مطالب آشنا و به اینگونه از شعر مأنوس نباشند دشوار است» (نفیسی، ۲، ج ۱، ص ۳۵۳).

در سال ۱۳۴۵ش، هرامل سدارنگانی هندی، کتابی با عنوان *پارسی‌گویان هند و سند* در بنیاد فرهنگ ایران منتشر کرد. این کتاب در واقع رساله دکتری مؤلف بوده با عنوان «مختصری در تاریخ شعر فارسی در ایران و هند و سند» به راهنمایی محمد معین که از آن در سال ۱۳۳۵ش در دانشگاه تهران دفاع کرد و می‌توان گفت نخستین کتاب تحقیقی در ایران است که منحصراً به شاعران پارسی‌گوی هند و سند می‌پردازد (سدارنگانی، ص هفت).
در این اثر سعی شده به شرح اثر و نفوذ زبان فارسی در هند و سند و ارزش و

۱. طاهری شهاب، سید محمد، «ملا شفیع اثر مازندرانی»، *ارمغان*، دوره سی و چهارم، تیر و مرداد ۱۳۴۴، ش ۴ و ۵ (ص ۱۹۹-۲۰۶).

۲. همو، «اختر مازندرانی»، *ارمغان*، دوره سی و پنجم، دی ۱۳۴۵، ش ۱۰ (ص ۴۵۴-۴۵۶).

۳. همو، «منصف ساروی»، *ارمغان*، دوره سی و ششم، مرداد و شهریور ۱۳۴۶، ش ۵ و ۶ (ص ۲۵۹-۲۶۱).

اهمیت این زبان در تکوین و تدوین فرهنگ و تمدن کشورهای همسایه شرقی ایران پرداخته شود و این مقصود را با شرح احوال و سبک و طرز تفکر حدود صد تن از شاعران پارسی‌گوی هندی و سندی و ذکر نمونه‌ای از اشعار آنها بیان کرده است. نظرات وی گاهی از رنگ تعصب خالی نیست. مثلاً از شعرایی همچون ابوالفرج رونی، طالب آملی و عرفی و... با عنوان «شعرای هندی» یاد کرده است. و یا می‌نویسد:

«شعر در هند تقلیدی نیست، بلکه دارای جنبه ابتکاری می‌باشد، بدین معنی که وضع محیط زندگی هند را نشان می‌دهد که در تخیلات دقیق و باریک شعرای هند مجسم است و در ادبیات ایران سابقه ندارد. همین ابتکار است که موجب ایجاد سبک معروف به سبک هندی گردیده که بعدها در خود ایران از آن تقلید کرده‌اند» (سدارنگانی، ص ۲۸۱).

در اواخر دههٔ چهل شمسی، یعنی در سال ۱۳۴۶ش کلیات/شعار طالب آملی به اهتمام و تصحیح و تحشیهٔ محمد طاهری شهاب در تهران چاپ شد. مصحح در دیباچهٔ جامع خود بر دیوان، از بسیاری از کتاب‌ها و تذکره‌های چاپ‌شده در آن زمان بهره برده است.

در پاورقی تفاوت نسخه‌بدل‌ها را ذکر کرده، هر چند نسخ مورد استفادهٔ خود را معرفی نکرده و برای آنها نشانه‌های اختصاری در نظر نگرفته و مشخص نیست تفاوت الفاظ و... به کدام نسخ باز می‌گردند. گاهی لفظ دشواری را معنا کرده و راجع به بعضی اشعار و یا اشارات تاریخی آنها توضیح مختصری داده است.

وی تنها در تذکری که در اواخر کتاب آورده است می‌نویسد در حین چاپ دیوان طالب که از روی سی و پنج نسخهٔ مخطوط موجود در کتابخانه‌های ایران و افغانستان و پاکستان و انگلستان و هند مقابله و تصحیح شده بود، نسخهٔ دیگری از دیوان طالب به دست آمد که حاوی قصائد، قطعات و غزلیاتی بود که در هیچ‌یک از نسخ اشاره‌شده در مقدمهٔ کتاب، وجود نداشتند و برای همین آنها را به عنوان مجلد دوم در انتهای همین کتاب آورده است (طاهری شهاب، ص ۹۸۵). این کتاب از نظر احتمال بر کلیهٔ آثار طالب اهمیت دارد.

در سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۴۸ش شمار بسیاری از تحقیقات، به شرح احوال و آثار و نیز تأثیر غالب دهلوی بر دیگر شاعران اختصاص دارد. همچنین تعدادی از آثار او در این

سال‌ها به چاپ رسید. به‌خصوص آنکه چون قرار بود در بهمن ماه سال ۱۳۴۸ ش مراسم صدمین سالگرد تولد غالب در کشورهای پاکستان، هندوستان، افغانستان، ایران، امریکا و... برگزار شود، از محققان درخواست شده بود مقالات و کتاب‌هایی پیرامون غالب بنویسند. در آخرین سال دهه‌ی چهل شمسی، در کنار تعداد زیادی کتاب و مقاله درباره‌ی زبان فارسی در هندوستان و کشمیر و... می‌توان از کتاب *Persian literature in India during the time of Jahangir and Shah Jahan* از M. Lutfur Rahman نام برد. سی. اس. پتل^۱ معاون رئیس دانشگاه بارودا در پیشگفتار کتاب یادآور می‌شود تا آن زمان کتاب *تاریخ ادبیات فارسی در هند* از عبدالغنی تنها منبع تاریخ اجتماعی و سیاسی هند تا پایان سلطنت اکبرشاه بود.

در همین سال رساله‌ای مختصر نیز با عنوان «دفاع از سبک هندی و سرایندگان قرن دهم و یازدهم و نیمه‌ی اول قرن دوازدهم» از مصطفی فیضی توسط انجمن ادبی صبا کاشان منتشر شد.

مؤلف معتقد است برخلاف نظرات جمعی از استادان، از جمله بهار، در این سبک باریک‌بینی و دقت نظر به سر حد کمال می‌رسد (فیضی، ص ۳). وی تعدادی از ایرادات وارده بر سبک هندی را مطرح می‌کند و سعی می‌کند به آنها پاسخ دهد. مؤلف که خود از نوادگان ملا محسن فیض کاشانی است، متأسفانه در بعضی اظهار نظرها افراطی عمل کرده و مثلاً می‌گوید:

«[با] پیروی از حالت نو پسندی بشر جمعی از اساتید سلف که بی شک گویندگان کاشان پرچم آن را به دوش کشیدند شیوه‌ای نوظهور به نام شیوه‌ی هندی یا اصفهانی به وجود آوردند که تا قرن‌ها از آن پیروی شد و بهترین و پرمایه‌ترین شاعران را که از نظر تعداد و کمیت نیز بیش از تمام سرایندگان سبک‌های دیگر بوده‌اند عرضه کرد» (همو، ص ۵).

ملا حیرتی کاشانی، محتشم کاشانی و کلیم و.. را به وجودآوردندگان سبک هندی و «کانون گرم پیدایش این شیوه در اوایل قرن دهم» در کاشان می‌داند و «گرمی دم صائب» را از این کانون نشأت گرفته می‌داند (همو، ص ۱۷-۱۸). بنابراین نام‌گذاری این سبک را به «کاشانی»

صحیح‌تر و شایسته‌تر می‌پندارد. بدیهی است نه گویندگان کاشان آغازگران سبک هندی یا اصفهانی هستند و نه این سبک شعری تا این حد اغراق‌آمیز بهترین و پرمایه‌ترین شاعران را عرضه کرده است.

نتیجه‌گیری

محققان عموماً از شعر این دوره با عنوان «انحطاط ادبی» یاد می‌کنند و تنها تعدادی از آنان سعی در بررسی منصفانهٔ عیوب و زیبایی‌های شعر این دوره دارند که همین‌ها در معرفی مجدد سبک هندی با رویکردی جدید، نقش مهمی ایفا کردند. عدهٔ انگشت‌شماری هم که می‌توان گفت عموماً از محققان هندی و پاکستانی می‌باشند دیدی مثبت‌تر و گاهی بیش از حد اغراق‌آمیز به شعر سبک هندی دارند.

دید منفی معلول این عوامل است:

الف) تأثیر بسیار تذکره‌های *آشکدهٔ آذر* و *مجمع الفصحای رضاقلی‌خان* هدایت که سال‌ها مرجع محققان قرار گرفته بود.

ب) تقلید کورکورانه از نظرات محققان متقدم در دانستن این سبک به عنوان «انحطاط» در ادبیات فارسی و تلاش نکردن برای بازشناسی مجدد این سبک.

ج) وجود معایب غیرقابل انکار دستوری و بلاغی در بسیاری از اشعار سبک هندی و به اشتباه، مقایسه کردن آنها با اشعار فصیح سبک‌های خراسانی و عراقی و در نهایت صدور حکم انحطاط برای همهٔ اشعار این سبک.

اما نگرش‌های منصفانه‌تر و مثبت‌تر را می‌توان معلول چند عامل دانست:

الف) نوعی سرکشی در جوانان در برابر پذیرش بی‌چون و چرای نظر استادان خود و شکستن دور باطل تقلید و تلاش برای نشان دادن زیبایی‌های نهفته در اشعار سبک هندی.

ب) رفتن سراغ بخش‌های کمتر صحبت‌شدهٔ ادبیات فارسی و ارضای حس نوجویی و ابتکار در ادبیات با اشعار سبک هندی.

ج) بررسی موردی اشعار شعرای این دوره و امتناع از صدور حکم کلی دربارهٔ تمام اشعار این سبک.

بی‌شک نام وحید دستگردی، محمدعلی تربیت، محمد شفیع لاهوری، سعید نفیسی،

زین العابدین مؤتمن، امیری فیروز کوهی، غلام سرور، احمد گلچین معانی و سید محمد طاهری شهاب در این دوره پنجاه ساله، به دلیل تعدد آثارشان درباره سبک هندی و شعر این دوره می‌درخشند.

محققان ایرانی بیشتر با پیش‌زمینه مقایسه سبک هندی با خراسانی و عراقی به سراغ آثار رفته‌اند؛ بنابراین سیطره بدبینی بر اشعار سبک هندی در آثارشان بیشتر است. متأسفانه در تصحیح متون از شیوه صحیح و علمی تصحیح غربیان بسیار کم‌تر بهره جسته‌اند، بنابراین تقریباً در بیشتر آثار تصحیح‌شده این دوره، درباره شیوه کار و معرفی نسخه‌بدل‌ها و... توضیحی داده نشده است.

در آثاری که به شرح احوال و آثار یک شاعر پرداخته شده، متأسفانه ذکر اسامی منابع مورد استفاده و در موارد ارجاع، ذکر کتاب‌شناسی آنها بسیار کم اتفاق افتاده و در دو سه دهه ابتدایی قرن چهاردهم تنها گاهی در آثار محیط طباطبایی ذکر این ارجاعات رعایت شده‌اند. ایرانی‌ها بیشتر به معرفی شاعران معروف‌تر سبک هندی و البته شاعران ایرانی این سبک پرداخته‌اند و بیشتر محققان ابتدا سراغ شاعران همشهری خود رفته و آنان را معرفی می‌کنند. آنچه بیش و پیش از هر چیز در آثار تحقیقی غیر ایرانیان، یعنی غربیان و پاکستانیان و هندیان مشاهده می‌شود، بهره‌گیری از شیوه‌های دقیق‌تر تصحیح متون است. ذکر نسخه‌بدل‌ها، ذکر علائم اختصاری دقیق و معرفی نسخ از جمله ویژگی‌های مثبت آثار غیر ایرانیان است.

از طرفی عموماً دو رویکرد متضاد نسبت به شعر سبک هندی در آثار غیر ایرانیان دیده می‌شود. غربیان بیشتر با استناد به تذکره‌های آتشکده و مجمع الفصحی و نظرخواهی از محققان ایرانی، دیدی منفی به شعر سبک هندی دارند و برعکس پاکستانی‌ها و هندی‌ها، عموماً دیدی مثبت و گاهی تا حدودی متعصبانه نسبت به شعر این سبک دارند و در مواردی به انتساب شاعران ایرانی به سرزمین خود می‌کوشند. از فواید آثار غیر ایرانی‌ها، رفتن سراغ شاعران پارسی‌گوی غیر ایرانی و معرفی آنان است؛ مانند تصحیح دیوان غنیمت پنجابی^۱ یا دیوان فانی کشمیری^۲.

۱. غنیمت، محمد اکرم، دیوان، تصحیح غلام ربانی عزیز، پنجابی ادبی اکادمی، لاهور، ۱۳۳۷.

۲. فانی کشمیری، محسن، دیوان، گردآوری، تصحیح و حواشی گ. ل. تیکو، انجمن ایران و هند، تهران، ۱۳۴۲.

منابع

- اته، هرمان، *تاریخ ادبیات فارسی*، ترجمه و حواشی صادق رضازاده شفق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۷.
- امیری فیروزکوهی، مقدمه بر کلیات صائب تبریزی، به اهتمام بیژن ترقی، خیام، تهران، ۱۳۶۱.
- براون، ادوارد، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران، ۱۳۱۶.
- تربیت، محمدعلی، «تأثیر تبریزی»، *ارمغان*، سال دوازدهم، ش ۳، خرداد ۱۳۱۰.
- جواهری، غلامحسین، مقدمه و حواشی بر کلیات عرفی، کتابخانه سنایی، تهران، ۱۳۶۹.
- خلیلی، خلیل‌الله، تصحیح و مقدمه بر کلیات بیدل، دارالتألیف ریاست، کابل، ۱۳۴۱.
- ریبکا، یان، *تاریخ ادبیات ایران* (از دوران باستانی تا قاجاریه)، ترجمه عیسی شهابی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۴.
- سدارنگانی، هرومل، *پارسی‌گویان هند و سند*، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۵.
- شبلی نعمانی، *شعرالعجم*، ترجمه سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳.
- شجیعی، پوران، «ادبیات فارسی در نیمه اول قرن یازدهم»، پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، استاد راهنما لطفعلی صورتگر، تهران، ۱۳۳۴.
- شهابی خراسانی، علی‌اکبر، *روابط ادبی ایران و هند یا تأثیر روابط ایران و هند در ادبیات دوره صفویه*، چاپخانه و کتابفروشی مرکزی، تهران، ۱۳۱۶.
- شهریار نقوی، سید حیدر، «ایران‌شناسی در پاکستان»، وحید، ش ۲۹، اردی‌بهشت ۱۳۴۵.
- طاهری شهاب، محمد، مقدمه، تصحیح و تحشیه بر کلیات اشعار ملک‌الشعراء طالب آملی، سنایی، تهران، ۱۳۴۶.
- فیضی، مصطفی، «دفاع از سبک هندی و سرایندگان قرن دهم و یازدهم و نیمه اول قرن دوازدهم»، انجمن ادبی صبا کاشان، کاشان، ۱۳۴۹.
- کمالی، حیدرعلی، *منتخبات اشعار صائب تبریزی*، انتشارات محمد رضانی، تهران، ۱۳۰۵.
- گلچین معانی، احمد، مقدمه و حواشی بر تذکره میخانه، عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی، شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء، مشهد، ۱۳۴۰.
- مؤتمن، زین‌العابدین، مقدمه و حواشی بر اشعار برگزیده صائب، بنگاه افشاری، تهران، ۱۳۲۰.
- مشایخ فریدنی، محمدحسن، «تاریخ مختصر روابط ادبی و سیاسی ایران و هند در دوران سلطنت شاه جهان وضع زبان فارسی در آن دوره»، پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، استاد راهنما ذبیح‌الله صفا، تهران، ۱۳۳۶.
- مصفا، مظاهر، مقدمه و تعلیقات بر مجمع الفصحا، رضاقلی‌خان هدایت، امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۶-۱۳۴۰.
- نفیسی، سعید (۱)، «ادبیات فارسی در هندوستان»، *ارمغان*، سال دهم، ش ۱۰، تهران، ۱۳۰۸.
- _____ (۲)، *تاریخ نظم و نثر در ایران*، کتابفروشی فروغی، تهران، ۱۳۶۳.
- نقوی، علیرضا، *تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*، علمی، تهران، ۱۳۴۳.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی